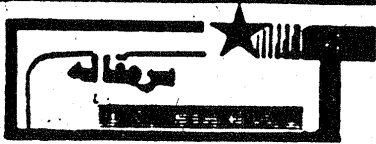


تعدیل بحران

به سیاق جمهوری اسلامی

اقتصاد ایران که بخشی از اقتصاد سرمایه داری جهانی را تشکیل می دهد چهار اسلامی است. بحران مزمن و فزاینده رکود ستوری است که به علت جنبه های اقتصادی اجتماعی و سیاسی جامعه نسبت به بحران اقتصاد جهانی گسترده تر است. ابعاد بیکاری، رکود در بخش تولیدی، تورم هرج و مرج اقتصادی حاکم بر جامعه از وسعت و عمق بیشتر و مخفیات ویزهای برخورد ار است. بطوریکه از یکسو هرروزه زندگی زحمتکشان میهنمان را دشوارتر ساخته و از سوی دیگر

زمینماز مرک رژیم انگلی و رو به زوال جمهوری سرمایه داری جهانی با تحول اقتصاد سرمایه داری از دوران رقابتی به دوران امپریالیستی یعنی با تمرکز تولید و تشکیل انحصارات، افزایش نقش فوق العاده اقتصادی - بوروکراتیک دولت، جهانی شدن سرمایه مالی و بالاخره یکپارچگی نسبی در نظام سرمایه داری جهانی تضاد بنیادین سیستم سرمایه داری و تضاد بین خصلت تولید اجتماعی و تنگ خصوصی، بقیه در صفحه ۳



چشم انداز بن بست قدرت

پس از وقایع ۳۰ خرداد که جنابمخند بنی صبر و دایره ستایش از قدرت خاکه غدو خود نقطه وحدتی در جناحهای مختلف رژیم پدید آورده بود و تأییدی پس از آن یعنی تا مقطع سقوط کابینه رجایی و هاشمی این وحدت بطور نسبی حفظ شد. اما از اوایل سال ۶۰ و با تشکیل کابینه جدید، نقاط اختلاف به قدری عمده گشت و بار دیگر دعوی قدرت بالا گرفت و این روند همچنان خوب صعودی پیروز ماست مضمون اصلی این تضاد، گذشته از نامها و عناوین که نمایندگان جناحهای مختلف پذیرفته و تفسیر و تحولاتی که در این صف بندی پدید آمده است، تضاد بین نمایندگان گان مناسبات پیشرفته سرمایه داری و نمایندگان مناسبات عقب مانده سرمایه داری بر سر مشوره بقیه در صفحه ۲

شورای ملی مقاومت و مسئله خودمختاری

سرانجام شورای ملی مقاومت پس از دو سال سرنوشت پر فراوان آورد. پاسخ شورای بورژوازی موقت در ارائه نقطه نظرش پیرامون مساله ملی مقاومت به طرزات سرخ خلق کرد، ارائه خودمختاری خلقهای ایران، ظاهر امر و مقابل طرخی زود است که در یک کلام منافع بورژوازی فشار مبارزات خلق کرد و انتقادات و فشارها نکرد را با منافع بورژوازی ایران پیوند می زند و که از سوی سازمانهای انقلابی و از جمله سازمان در این میان مبارزه مسلحانه انقلابی خلق کرد مابین وارد می شد و همچنین فشارهای درونی و شوق این پیوند قرار گرفته است. حزب دموکرات به شورا که خود تحت تاثیر و طرح خودمختاری شورا با لحظه به تیروهای فشار حاصله از پایهای تود مایش قرار داشت، بقیه در صفحه ۵

نگرشی بر نحوه توزیع در جمهوری اسلامی

توزیع نیز همچون دیگر مسائل و معضلات جامعه امروز ایران، دچار تناقضات و تضاد - هائی است که خود انعکاس و آینه تمامجانبی از رژیم جمهوری اسلامی می باشد. در حالی که جنبه های رژیم به سرکردگی تجار و بازار هرگونه کنترل بر واردات و توزیع را از سوی دولت مردود می شمارند، به تعدیل بحران عمیق اقتصادی و تورم سرسام آوری ارگان های دولتی در پی نفع تلاش دارند توزیع را هرچه بیشتر در کنترل دولت در آورند. در این میان در دوران ارگانهای مختلف توزیع خصوصی نیز تضاد هائی وجود دارد. هم اکنون بهترین نقش را در توزیع اقم از کالا های مصرفی و ... اتحادیه های مختلف اصناف دارند. این اتحادیه ها متشکل از بقیه در صفحه ۸

خلق قهرمان ترکمن، خاری در چشم رژیم

در صفحه ۲

در این شماره

● یادداشت های سیاسی

● ضمیمه خبری کار

● نگرشی بر فعالیت های ...

● سال نو میلادی ...

کمیته های مخفی اعتصاب را برای برپائی یک اعتصاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

چشم انداز...

بازسازی سیستم ضربه - دوره سرمایه داری و راه روشهای متفاوت ارائه شده از جانب آنان در کاهش بحران فزاینده اقتصادی و نارضایتی وسیع توده های و بالنتیجه حفظ موجودیت سیستم است. در این میان کابینه که اکثریت آن متشکل از بوروکراتهای تابع سرمایه دارانه است از آنجا که مستقیماً با تضاد های عمیقانه سیستم کنونی دست بگریزانند ، برای آنکه در لایه های زیرین زنگ زده سیستم سرمایه داری وابسته خود نشوند ، سعی در انطباق خود با آن و تصحیح از قانونگذاری های موجود در سیستم داشته باشند از رژیم گذشته دارند. جدا از اقداماتی که تاکنون در جهت تمرکز بخشیدن به سیستم صورت گرفته و از جمله آنها وزارتی کردن ارگانهای غیر دولتی نظیر سپاه ، جهاد و ... که با مقاومت هایی نیز توأم بود ، اکنون به آن نقطه حیاتی جناح رقیب (بورژوازی تجاری) چنگ انداخته است ، یعنی بکشتن در آوردن تجارت خارجی و داخلی ، گانالی کردن سرمایه های تولید و ایجاد هماهنگی هایی بین بخشهای مختلف سرمایه و فرصتهای در حد مناسب با روند تکاملی سرمایه داری وابسته. این سیاست که از سوی مسئولین اجرائی (هیأت وزیران) ارائه می شود از دو زاویه قابل بررسی است. یکی اینکه بازسازی سیستم گذشته ، ضرورت اعمال چنین سیاستی را تحمل می کند و دیگری قانونگذاری عام تمامی کشورهای سرمایه داری در شرایط بحرانهای عمیق این سیاست را می طلبد. اگر در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی درگیر بحرانهای حاد ، این قانونگذاری خود برادر ظهور احزاب با اصطلاح سوسیالیست (در واقع ناپسند و جناحی از انحصارات امپریالیستی نشان میدهد که مدعی حل بحران از طریق اعمال یک سلسله رفرمهای ارتجاعی بوروکراتیک و کنتراول بیشتر دولتی هستند) تا سوسیالیسم واقعی را در اذهان توده ها سوسیالیسم که اثی خودجا برزند) در اینجا و در شرایط کنونی نیز تمرکز بخشیدن در عطرکرد سرمایه از سوی کابینه ارائه همان سیاست و قانونگذاری رژیمهای سرمایه داری غوطه خور در بحران است. اما تدارک بازار که پس از سرنگونی رژیم گذشته زمینه عملکرد گسترده ای یافتند هم به لحاظ منافع طبقاتی خود و هم بدلیل تفکر عقب مانده و واپسگرایی خود با این سیاست کابینه مخالفت دارند و برای مقابله با سیاستهای فوق سعی می کنند اینگونه اقدامات را سوسیالیستی و کمونیستی قلمداد کرده و از این رهگذر هم کابینه را آماج قرار دهند و هم سوسیالیسم واقعی را از محتوا تهی کنند. آنان هرگونه " دولتی شدن " و کنترل دولتی را در حوزه عملکرد سرمایه چه در زمینه تجارت خارجی و چه در رابطه با توزیع کالاها ، اقدامات سوسیالیستی جابیزند. آنان در حال و هوای دوران ماقبل سرمایه داری سعی می کنند و خواستار تجارت آزاد در زمینه واردات و صادرات ، رفیع معدود و تسهیلات ارزی و برچیده شدن مراکز

تجهه و توزیع کالاها که از سوی کابینه بوجود آمده است از زبان نماینده طبقاتی آنان بشنومیم: بوراستاد نماینده قدرتند این جریان ، یکی از تجار آهن و نماینده مجلس شورای اسلامی " و همچنین عضویت نمایندگان اتاق بازرگانی در ضمن اجلاس اتاقهای بازرگانی سراسر کشور که در ابانماه برگزار شد چنین می گویند: " نتیجه فرب زدی در زمان سابق واکش طبیعی آن شرف زدگی شد ... خط کونوم را چه کسی توی این بطکت راماند اختفیفنی با اشاره بدست نشان طبقاتی شان یعنی آنوقت دم از تخصص میزنند. آقایان جوانها که تخصص ندارند. بیائید لایق از تجربه بازارها استفاده کنید ... من در این مجلس اما خصمی طریخم دعوت از آنها به سازش و با صدای بلند اعلام می کنم که صنف آهن فروش تمکین ، با حمایت از سیاستهای کابینه ، از حاضرانست ، بمن پیشنهاد داده که با همین ارزی که فعلاً دولت برای آهن اختصاص داده است حاضر است واردات آهن را در دست بگیرد ، نوبت های یکساله را از بین ببرد ، بازار سپاه را از بین ببرد ، قسمت آهن را هم از این که هست بیشتر نکند ... بیشتر از این جلفی که دولت از تجارت آهن سود می برد بد دولت بدهد. بیائید این یک پیشنهاد را عمل کنید. اگر نتیجه گرفتید بقیه را هم همین طور عمل کنید. مگر این آقایان تودمائیها نگفتند و اقرار نکردند ما طرح می دادیم ، ترویج شخصیت میکردیم ، سن از مسئولین می خواهم از این آقایان بپرسند چگونه و توسط چه اشخاصی و از چه کاتال ها سوسیالیسمهای سوسیالیستی خود را به دولتها می رسانند ماند. این خطر را کشف کنید مخفی حقایق معلوم خواهد شد. طت بازار سپاه معلوم خواهد شد ، ریشه گرانی ها هم کشف خواهد شد.

(هفتماه شماره ۱۷ - ۲۶ آذر)

این تضاد در حوزه قوه مقننه نمایندگان هردو جناح را در خود جای داده نیز خود را نشان داد بطوریکه از چندی پیش در مجلس یک سری استیضاح آغاز شد و هر یک از دو جناح رقیب که نمایندگان مدافع خود را در مجلس دارند ، برای از میدان بدر کردن جناح مقابله گوشهائی از دزدیها و ارتکابهای فزاینده استیضاح رقیب را بر ملا کرد. اما از این حربه هیچ یک از دو طرف سودی نداشتند. تنها از آن نودمائی که باقی ماندن های از توهمات نسبت به رژیم را بدوش می کشیدند ، توهم زدائی شد. آخرین برگی که بورژوازی تجاری رو نمود مراجعه بمراجع با اصطلاح تقلید از جمله گلهایگانی و طرح این مساله که سیاست های " دولت " سوسیالیستی است و این فتوا را دریافت کرد که بنابر این برداخت مالیات به دولت یک عمل غیر شرعی بوده و باید لغو شود و تنهاخص و ذکات اسلامی و شرعی است و این فتوا بطور وسیعی در شهرها و بویژه بازار تهران توزیع شد که مورد استقبال بازاربان قرار گرفت. یکی از موارد مطرحه در نطق خصمی باین مساله بر مکتب و خطاب به مابین دسته از روحانیون بود که بقول خصمی ضرورتها

است از زبان نماینده طبقاتی آنان بشنومیم: هردو جناح رقیب از بر ملا کردن درزی ها و غارتگری ها ، بمبارت دیگر استیضاحهای اخیر و تدکیر این نکته که منافع مشترک هردو جناح در حفظ رژیم کنونی است. هر چند که هردو جناح در عنیت بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی شار (با تفاوت هائی) و برنامه های سرگرا نغفور بر طبقه مبارزات توده ها وحدت کامل دارند ، ار کونوم را چه کسی توی این بطکت راماند اختفیفنی با اشاره بدست نشان طبقاتی شان یعنی آنوقت دم از تخصص میزنند. آقایان جوانها که تخصص ندارند. بیائید لایق از تجربه بازارها استفاده کنید ... من در این مجلس اما خصمی طریخم دعوت از آنها به سازش و با صدای بلند اعلام می کنم که صنف آهن فروش تمکین ، با حمایت از سیاستهای کابینه ، از حاضرانست ، بمن پیشنهاد داده که با همین ارزی که فعلاً دولت برای آهن اختصاص داده است حاضر است واردات آهن را در دست بگیرد ، نوبت های یکساله را از بین ببرد ، بازار سپاه را از بین ببرد ، قسمت آهن را هم از این که هست بیشتر نکند ... بیشتر از این جلفی که دولت از تجارت آهن سود می برد بد دولت بدهد. بیائید این یک پیشنهاد را عمل کنید. اگر نتیجه گرفتید بقیه را هم همین طور عمل کنید. مگر این آقایان تودمائیها نگفتند و اقرار نکردند ما طرح می دادیم ، ترویج شخصیت میکردیم ، سن از مسئولین می خواهم از این آقایان بپرسند چگونه و توسط چه اشخاصی و از چه کاتال ها سوسیالیسمهای سوسیالیستی خود را به دولتها می رسانند ماند. این خطر را کشف کنید مخفی حقایق معلوم خواهد شد. طت بازار سپاه معلوم خواهد شد ، ریشه گرانی ها هم کشف خواهد شد.

اما قسمتی دیگر از نطق وی مبرحذر داشتن هردو جناح رقیب از بر ملا کردن درزی ها و غارتگری ها ، بمبارت دیگر استیضاحهای اخیر و تدکیر این نکته که منافع مشترک هردو جناح در حفظ رژیم کنونی است. هر چند که هردو جناح در عنیت بخشیدن به ایدئولوژی اسلامی شار (با تفاوت هائی) و برنامه های سرگرا نغفور بر طبقه مبارزات توده ها وحدت کامل دارند ، ار کونوم را چه کسی توی این بطکت راماند اختفیفنی با اشاره بدست نشان طبقاتی شان یعنی آنوقت دم از تخصص میزنند. آقایان جوانها که تخصص ندارند. بیائید لایق از تجربه بازارها استفاده کنید ... من در این مجلس اما خصمی طریخم دعوت از آنها به سازش و با صدای بلند اعلام می کنم که صنف آهن فروش تمکین ، با حمایت از سیاستهای کابینه ، از حاضرانست ، بمن پیشنهاد داده که با همین ارزی که فعلاً دولت برای آهن اختصاص داده است حاضر است واردات آهن را در دست بگیرد ، نوبت های یکساله را از بین ببرد ، بازار سپاه را از بین ببرد ، قسمت آهن را هم از این که هست بیشتر نکند ... بیشتر از این جلفی که دولت از تجارت آهن سود می برد بد دولت بدهد. بیائید این یک پیشنهاد را عمل کنید. اگر نتیجه گرفتید بقیه را هم همین طور عمل کنید. مگر این آقایان تودمائیها نگفتند و اقرار نکردند ما طرح می دادیم ، ترویج شخصیت میکردیم ، سن از مسئولین می خواهم از این آقایان بپرسند چگونه و توسط چه اشخاصی و از چه کاتال ها سوسیالیسمهای سوسیالیستی خود را به دولتها می رسانند ماند. این خطر را کشف کنید مخفی حقایق معلوم خواهد شد. طت بازار سپاه معلوم خواهد شد ، ریشه گرانی ها هم کشف خواهد شد.

اما جمعیتهای بیضیتی و خاموشی گرائیند. چرا که اینبار تضاد به آنچنان نقطهستیزی رسیده که براحتی قابل مبارزیت و از طرفی انتخابات در پیش است و مساله کسب گرمی - های بیشتر در مجلس طرح است. همچنین که شاهد آنهم کشش های مربوط به انتقادات طریخم نطق خصمی ، باز هم ادامه دارد و آن نیز ضمیمت از همین تضاد می باشد. از آنجا که خصمی این بار با جناح قدرتندنی مواجه است بلافاصله پس از نطق لغزش تعدادی از اصطلاح معتدین بازار را حضوریند برنت و از آنان دلجوئی کرد اما در عین حال آنان را بمسرومکت و تمکین از سیاستهای ارگان اجرائی فرخواند و این نشانگر آنست که حفظ سیستم پیش از حفظ پایهای اولیه قدرتندش برای وی اهمیت دارد. اما برای جلوگیری از آماج تکرارهای برخی " آیات عظام " از چنین سیاستهایی که از سوی کابینه ارائه می شود مورد تأیید خصمی واقع شده است تبلیغاتی آغاز شد از جمله در روزنامه های کیهان و اطلاعات چنین آمد: " برخی روحانیون معضلات جات بقیه در صفحه ۱۰

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت

تعدیل بحران

تعمیر یافته و جهانشمول شده است. بطوری که دیگر تصمیم گیری های منفرد اقتصاد دانان بورژوازی در سطح ملی برای تعدیل بحران بمنظور گذار از بحران و گام گذاشتن بمرحله انکشاف اقتصادی برزمنه مناسبات سرمایه - داری امری صوری شده است. بعقل خصلت احتمالی تولید (هم در سطح ملی و هم در سطح جهانی) و تصاحب بخش عمده محصول توسط ده های معدود و تسری بحران در سطح جهانی بهره از جوامعی که نقش سلط و یا عمده برجیان سرمایه داری دارند (آمریکا، پارامای از کشورهای اروپای غربی و ژاپن) و نیز درگونی سبک بحران وعدم کارائی ابزار کلاسیک کنترل بحران بمنتهائی در سطح ملی، سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران فقط در سطح ملی به ترهات پوچ و خود رسواگری تبدیل شده است.

بهرحال، اما، دولتهای سرمایه داری در هنگام بروز بحران که اکنون در پیچیده عمده بصورت بحرانهای رکود - تورمی عارض میشوند، (و در جوامع مختلف بهره جوامع امپریالیستی و جوامع تحت سلطه می توانند اشکال بسوز متفاوتی داشته باشد)، در جهت تعدیل بحران بمنظور کاهش فشار بر سرمایه و حفظ ماشین دولتی پاسداران و نیز بمنظور تخفیف زمینهای که در اثر تداوم بحران برآمد های تودمائی را متکن گردانیده و از این طریق حیات جامعه سرمایه داری را تهدید می کند، به اتخاذ سیاستهای اقتصادی (و عمدتاً پولی و مالی) در سطح ملی و در رابطه با سرمایه جهانی امپریالیستی مبادرت میورزند. عملکرد آرگانیک سرمایه مالی جهانی از یکسو

و تضاد (رقابتهای) سیاستها و عملکردهای اقتصادی دول جهان امپریالیستی (بنا به درجه توانندی و نقش در تقسیم بین المللی کار امپریالیستی) و انحصارات بین المللی برای تعدیل بحران در جهت حفظ هرچه بیشتر ضایع خود از سوی دیگر، در زمانهای بحرانی هرچه بیشتر آشکار می شود.

رژیم جمهوری اسلامی نیز همانند هر دولت سرمایه دار دیگری بمنظور حفظ و حراست از حرم سرمایه و رفع موانع بازدارنده و مغل در امر گردش و عملکرد سرمایه به به اتفان سیاستهای اقتصادی پرداخته و آنها را بحق و کرنا اعلام داشته است. اما این سیاستها نیز به سبک و سیاقی جمهوری اسلامی است یعنی سیاستهایی که گرایش و عملکرد کلی آن در جهت حفظ و حراست از حرم سرمایه عقب مانده تحت سلطه بورژوازی تجاری (بازاری) بمعنای اصطلاح آن در ایران) استوار است و دولت دلال منش (دولت بمعنای اعم گم و نه فی المثل آنچه که به کابینه اطلاق می شود) منطبق با این سرمایه جبریش می باشد.

جیاولگری و ایلغارگرایی بورژوازی حاکم و دولت به گوناگونیست که باصطلاح سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران را هم در خدمت تشدید جیاول هرچه بیشتر و تشدید بحران اقتصادی قرار می دهد. بورژوازی حاکم، دولتمردان و عطفه و اگره آنان که خود را برزمنه بحران انظار می موجود از یکسو و ساخت اقتصادی ایران از سوی دیگرماندنی نمی یابند بقول معروف به بستن هرچه بیشتر بار و بندیل خود در اسرع وقت - تا قبل از مرگ محتوم خود - مانگیر می یابند. براین بنا است که فعلاً "سیاستهای اقتصادی امپریالیستها نیز در رابطه با رژیم خصلتی دلالی یافته و بهرکسب سود انبوه و غوری و عمدتاً برهنای تجارت کالا عملکرد می یابد و براین بنا است که قوانین، لواحق و طرحهای "مردم ستیز" دولت که آنها سیاستهای مالی و پولی در جهت تثبیت قیمتها مهار تورم و شکستن رکود تولیدی اعلام و تبلیغ می کند، خود ابزاری برای مکیدن آخرین ممر درآمد زحمتکشان است. ابزاری است در جهت تشدید تورم که ارزش اضافی هرچه بیشتری را نصیب بورژوازی صنعتی را از ارزش اضافی محدود می گرداند (باتوجه به سیستم کنونی تولید و توزیع حاکم بر جامعه) و رکود تولیدی را در امن می زند. ابزاری است که خیل لومهن پرولتاریا را در خدمت رژیم را به نان و نواهی در خدمت خود می رساند و انارش حاکم بر سیستم جمهوری اسلامی را برانارشی حاکم بر شیوه تولید سرمایه داری می افزاید. و بالاخره ابزاری است در خدمت تشدید بحران، تورم و هرج و مرج که در زمان و دلالان، تجار و واسطه ها رشومخواران و انواع و اقسام طفیلی های جامعه بر پستیان سهم خود را می جویند و طلب می کنند و بهمان دامن می زنند.

این صحیح است که "سرمایه از سروردا فرار می کند و طبعاً ترسو است، ولی هنوز تمام حقیقت نیست. . . اگر غرض و دعوا بهره آور باشد وی (سرمایه) هردو آنها را تشویق می کند" (سرمایه جلد اول). این سرمایه حاکم بر جامعه ما برزمنه عوقا و دعوا می تواند حکومت کند و بصورت های هنگفت دست یابد. بدینگونه است که دولت این سرمایه بصورت دولتی ملوک الطوائفی بروز می دهد، دستگاههای مختلف قضائی - اجرائی برای تصاحب سهم "طایفه" خود، تضاد های رشد یابنده فعالیت جنگ داخلی و تداوم جنگ خارجی، تولید و بازتولید هرج و مرج، ازهم گسیختگی اقتصادی و اجتماعی، فساد و ارتشها، بسط دستگاههای سرکوب و قدری که هر یک به گوشه ای جنگ انداخته اند و آنها جولانگاه خود می سازند و چون بلجکوران سرچهار سوی بازار در قدیم مالیات صوری طلبند. سیاستهای باصطلاح اقتصادی این رژیم در تعدیل بحران چه برآیندی خواهد داشت؟ دستگاه اداری و نظامی و انتظامی (ماشین دولتی) بورژوازی انگل بر جامعه است. انگلی که تمام سامات حیاتی را سدود

می کند و امریز در ایران این انگل در اختیار انگل ترین بخش بورژوازی است که نه تنها سامات حیاتی را سدود می کند بلکه دشمن هرگونه حیات به معنی واقعی گم است. این انگل، اما، بنابه ماهیت طبقاتیش، بنا به کورنی تاریخیش، خود سامات حیاتی خویش را نیز سدود می سازد. مغولیتی تاریخی با شخصه یمخاکری برستر تولید سرمایه داری. اما بهرحال این رژیم هم برای بقا - که قطعاً با این ماهیت نامیستر است - تا این اندازه می فسد که باید بحران اقتصادی را تعدیل بخشد. لیکن این خواست با ماهیت و ترکیب طبقاتی رژیم در تضاد قرار می گیرد. سیاستها با بقصد خود تعدیل می شود.

دولتمردانی از رژیم بورژوازی بخش قالب کابینه و تکدیگراتها به این درک نائل شده اند که برای حفظ سیستم و تداوم بهره گیری باید چریکهای تولید اقتصادی بگردش درآید. و رکود شکسته شود و تورم مهار گردد. لیکن این نیز بسا جیاولگری و بهره گیری خاص سرمایه عقب مانده بهره بخش سلط آن که سرمایه تجاری است و با طیف وسیع انگلهای رنسا رتی که رژیم توسط آنها سرپا نگه داشته شده است در تضاد قرار دارد. بر سیاستهای اقتصادی تعدیل بحران چگونه باید عملکرد یابد؟ جواب روشن است از طریق فشار هر چه بیشتر بر کارگران. دهقانان. کسبه خرد میا. کارمندان دین پایه و نظیر اینها توام با حفظ و حراست از جیاولگری و بهره گیری بخشهایی که فوقاً ذکر شد. در آنچه که گفته شد تضادی نهفته است که به تعدیل بحران نمی انجامد. اما این خود تضاد لاینحل رژیم جمهوری اسلامی است. بنیست سیا - ستیهای اقتصادی رژیم است. بنیست تداوم حکومت سرمایه تجاری است.

برای درک ماهیت سیاستهای اقتصادی و عملکرد رژیم لازم نیست که کارنامه ضلحت بارش را از بد و تولد تاکنون در نظر آورد. چیزی که عیان است چه حاجت به بیان است. اظهارات اخیر "مران قوم" در مورد مهار تورم، تثبیت قیمتها و . . . و نیز ماهیت بودجه سال ۶۳ برای این منظور کافی است. در اینجا نیز قد اراکه تحلیلی از بودجه ۶۳ با بررسی باصطلاح، برنامه های اقتصادی دولت در بین نیست. بلکه فقط نشان دادن گوشهائی از سیاستهای اقتصادی رژیم در تعدیل بحران است که در حقیقت خود بحرانزا است.

در ترجیح بندی که در این باره از طرف بعضی از سران تکرار می شود عبارتست از اینست "پول سرگردان" و یا "عجم پول در دست مردم" (۱) زیاد است که این خود علت تورم است و نوع آنچه پولهای سرگردان باید در امر تولید گنالیزه شود. و البته شخص نمی سازند که این پولهای سرگردان در دست چه کسانی و چگونه انباشته شده است و می شود؟! بهرحال براین اساس سیاستهای مالی بقیه در صفحه ۴

رهبری طبخته کارگر ضامن پیروزی مبارزان ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران است



تعدیل بحران

و پولی دولت در جهت کاهش پول در گردش از یکسو و ایجاد شوق های لازم برای سرمایه گذاری در امر تولید از سوی دیگر اعلام گشته است.

پولهای سرگردان باید در امر تولید بکار رود. بدین منظور گذشته از تشویق سرمایه های داخلی به تشویق سرمایه داران فراری به بازگشت پرداخت شده و رزیم تضمین های لازم را در جهت حفظ سرمایه و سود آنها اعلام داشته است. با اصلاح حذف بهره بانکی نیز در این مسیر عملکرد باید بیاید. منظور تشویق هرچه بیشتر سرمایه داران به سرمایه گذاری در امر تولیدی رژیم سیاستهای فوق ارتجاعی در مورد کارگران اتخاذ کرده است. بدین منظور برای استثمار وحشیانه، ابتدائی و عریان از کارگران، برای افزایش کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی از طریق افزایش ساعات کار از طریق تثبیت دستمزدها که در حقیقت بر زمین تودم افسار گسیخته بمعنای کاهش دستمزدها واقعی کارگران است، از طریق سلب کلیه حقوق کارگران تنها که مقدور است. از طریق قانون کار و غیره رژیم کلیه صامی خود را بکار بسته است

لیکن این سیاستهای ضد کارگری در جهت ایجاد زمینهای مناسب برای سود آوری سرمایه در تولید بعد و علت با شکست مواجه شده است. اول اینکه بورژوازی بطور کلی تحلیل دارد طبقه کارگر را همچون ابزاری ارزش آفرین بنگرد و لا غیر. از اینرو گرایش سرمایه در جهت فقر و مسکنت عمومی طبقه کارگر و کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی عمل می کند. در عین حال مبارزه طبقاتی بنابه درجعات قوت و ضعف نه تنها عاطفی است در جهت عدم تحقق این گرایش در همه شرایط، بلکه خود نیز عاطفی است که بکارگیری تکنولوژی نوین را از سوی سرمایه داران جهت کسب ارزش اضافی نسبی (که پیشیند بتدریج می کفد) الزام آور میسازد.

اما بورژوازی عقب مانده ایران در حال وهوای مناسبات مانوفاکتوری تولید، فارغ از دستاوردهای مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی و در بعد تاریخی - جهانی، به کسب ارزش اضافی مطلق و نسبی به شیوه های آشکارا خشن دل خوش کرده است و پشت بند آنها هم با فتاوی علماء اعلام و اعلام واجب شرعی، حلال و حرام و غیره پر کرده است. این خشنونت زاید الوصف در استثمار، این وقاحت بی نظیر تاریخی و این فتاوی و قوانین که باید در جهت ایجاد شوق های لازم برای سرمایه گذاری در امر تولید بکار آید، لیکن در عمل، بعضی خود میل شده است. خشم کارگران بر سستی که بر آنها وارد می آید خود را در اعتراضات، اعتصابات، کم کاری ها و غیره نشان می دهد. آنچه که باید شوق سرمایه گذاری می شد، با عمل کارگران برضد خود تبدیل گشته است. اکنون یکی از رایج ترین مبارزات کارگران در شرایط سرکوب و خفقان قرون وسطائی رژیم، کم کاری مد اوی است که در اکثر واحدهای تولیدی اعمال می شود. بر همین مبنا است که اقتصاد دانان با اصطلاح

لیبرال در تبیین رکود تولیدی صرف نظر از سائل دیگر از قبیل کمبود یا نبود مواد اولیه، کالا های واسطه ای و سرمایه ای، کمبود ارز و ... که خود در ال بر با اهمیت بورژوازی حاکم است به مشکلات کارگری اشاره می کند.

دوم اینکه اشتباهی سیری ناپذیر بورژوازی حاکم، دولت و عطف از کمزوری که به عرض استسقا دچار شده ماند در بلعیدن سریع هر آنچه که ممکن است از دست زین به هر عملی و بکارگیری هر وسیله ای هم از قانونی و غیر قانونی، امر از شرعی و غیر شرعی دریغ نکرده و در تنگ بخود راه نمی دهند، فضای را ایجاد کرده که به زبان دیپلماسی فضای نا امن سرمایه نامیده میشود. وجود همین فضا است که در گردش سرمایه اخلاقی ایجاد کرده و امر سرمایه گذاری در امر تولید را مختل می کند. وجود همین فضا است که امرها - لیستها را با وجود تمامی پشتیبانی ها و حمایت های شان از رژیم جمهوری اسلامی ناگزیر می سازد که در مورد سرمایه گذاری در امر تولید محظاتی فکر کرده و سرمایه های خود را در "خطر" ناامنی های حاصل از عملکرد رژیم اسپر نوازند و بالاخره وجود همین فضا بوده است که ریزش زمینست های خائن وطنی را به آستانه یوسی سرمایه عقب مانده وای داشته (اکنون رژیم خود این حق را از آنها سلب کرده است) و نیز قند در دل مدافعان جهانی ترهای ریزش زمینستی برای "سمت گیری های سوسیالیستی" رژیم آبی کرد. و بر صحنای ترهات رقابت - اقتصادی برای نصاب صاحب سببی (حتی اندکی فروزتر از قبل) از بازار ایران به مدعی یکی از ارتجاعی ترین رژیمهای تاریخ معاصر می پرداخت. اما بهر حال، نتیجه تمامی این کوششها و واکنشها تداوم " نا امنی " سرمایه بوده است که از خصلت ترکیب طبقاتی رژیم نشأت می گیرد.

و اما ترجیح بند تودم، یعنی جمع آوری پولهای سرگردان، کاهش حجم پول در گردش، منظور تثبیت قیمت ها و مهار تورم. در این مورد نیز ماهیت بورژوازی دولت حاکم بگونه ایست که وجود تودم پشابه آب حیاتش میباید. بیپسوده نیست که بانگسی میگوید " میزان تودم فعلی کشور که چیزی نزدیک به ۲۰ درصد می باشد، میزان قابل قبول برای رشد است (اطلاعات ۵۱ اندر). البته ۲۰ درصد که شوخی است، اما قابل قبول برای کشور بسیار هم جدی است. کشور یعنی انواع و اقسام تجار و دلالان و محتسبین و ... ریز مخواران شان و در مقابل کارگران و زحمتکشان و کارمندان دین پایه هستند که با دستمزدها و حقوقهای ثابت و انواع و اقسام فشارهای اقتصادی باید باتورم برکت زاپاری "ستونهای سخر انقلاب اسلامی" را تحمل کنند. و بار سیاستهای با اصطلاح ضد توری دولت را در جهت کاهش حجم پول در گردش بجان بخرند. ماهیت بودجه سال ۶۳، حذف سوسید، افزایش سرانه حق بیمه کارمندان دولت، افزایش مالیات ها و ... همه و همه در این جهت قرار دارد، و عملکردش فشار بیشتر بر توده ها، افزایش تورم و افزایش سود سرمایه های غیر مولد و ... دامن زدن به

بحران اقتصادی است. جنگ و هزینه طرحهای دفاعی که برای از ما بهتران "برکت" است و برای توده ها نیکت بیش از ۱۲۶ میلیارد تومان، یعنی حدود ۳۰ درصد از کل بودجه دولت در سال ۶۳ را می بلعد. در حالیکه مجموع اعتبارات مربوط به بهداشت و درمان، تامین مسکن، عمران شهرها و عمران روستاها حدود ۸ درصد از بودجه را شامل می شود. چه کسانی از این ترکیب در هزینه های بودجه منتفع می شوند؟ جنگ بقای رژیم را تضمین کرده و در عین حال فضای انرا در خود می پرورد. "عوقا و دعوا" برای سرمایه حاکم بهر رده است و افزایش شدید تودم ناشی از جنگ خود دلالان رحمت ایزدی (سود) است و این سود مستقیم و غیر مستقیم بر نیکت توده ها می افزاید تا برکت بهشتی جنگ را زنده نگهدارد. از طریق افزایش مالیاتها، افزایش سرانه حق بیمه کارمندان از طریق کسری بودجه که بوسیله اعتبارات بانگسی پوشیده میشود، تورم را است و مستقیما بر دوش اکثریت صرف کنندگان زحمتکش فشار می آید، از طریق حذف سوسید، از طریق هزار دوز و کلک که پولهای سرگردان در دوز زحمتکشان جمع آوری شود.

دولت برای پوشاندن هزینه ها و کاهش حجم پول در گردش به افزایش مالیاتها مبادرت می ورزد. کارگران و کارمندان که مالیاتشان بطور خود کار از دستمزدها و حقوق جمع آوری می شود و تجار و دلالان و ... نیز می دانند چگونه مالیات نپردازند و یا چگونه سهم مالیات را بر قیمت ها تاثیر بخشند. نتیجه افزایش تورم، کار بجائی رسیده است که برای جمع آوری پولهای سرگردان (۱)، کسبه خریدها - متحدین بورژوازی تجاری در انقلاب - هم به زیر میباز کشیده شده اند. رئیس اتحادیه صنوفاث نفت سوز، گازسوز و الکتریک در مورد سهم مالیات بندی افسان میگوید: " اتحادیه موفق شده است واحد های صنفی خریدها را تحت فشار قرار دهد. به همین دلیل ماهیانه ۵۰ هزار ریال درآمد برای آنان قابل شده است. در حالیکه بیش از ۶۰ هزار ریال به دولت مالیات، بیمه، عوارض شهرداری، پرداختند و خواهناخواه اگر این روند ادامه پیدا کند اعضای این صنف ناگزیرند برای امرای معاش به بازار سپاه روی آورند (کیهان ۹ آبان). چنین است سیستم اقتصادی حاکم بر جمهوری اسلامی باورشکستی یا ورود به عرصه های عریان انگلی و دلالی. افزایش مالیاتها پولهای سرگردان را جمع آوری نمی کند، بلکه گوی زحمتکشان را بیشتر می فشرد. و خود به دو صورت تودم را است و آنهاست " پولهای سرگردان " و اتسیرج می کند. اول اینکه پولهای جمع آوری شده از مالیات در دستان دولت دلال صفت و ریزه - خواران فراوانش خود عاملی توری است و تودم از طریق انتقال مالیات ها بر قیمت کالاها از طرف تجار و غیره.

سیاستهای مالی دولت، اما، هنوز در رازی دارد. منظور جلوگیری از تودم و کلک بقیه در صفحه ۸

شورای ملی...

از نقطه نظر ماهیتی در همین چارچوب طرح خود مختاری شورای ملی مقاومت می کشد - رضایت بود - نیز بیکر بشود - همین برتیس جمهور قانونی () جمهوری اسلامی و اینها جمهوری دموکراتیک اسلامی - که زمانی بازرگان جاقوش را تیزی کرد و حالا مجاهدین ، باید طرح خود مختاری "شورا" را پیاده کند (چه نوعی مستعجلی) - ششم شاخصی که وقتی هنوز امکان پیروزی سریع نظامی در کردستان را می دید فرمان می داد که "سا سرکوب کامل آنان (یعنی ملی کردن) باید پونین های سوزان از پاهایشان بیرون نیاید و حال طرح باصلاح خود مختاری به اتفاق آراء و از جمله رای رئیس جمهور قانونی بهامان

اما چرا شورا که افتقادی بمساله خود - می رسد - آری ، چنین است و راه و رسم پیروزی از مختاری ندارد (توجه شود که ما در اینجا در برسمیت شناختن حقوق خلقها اساساً از حق تعیین سرنوشت که از اصول اعتقادی و برنامه هایمان می باشد ، سخن هم میمان نیاید مایم ، بلکه فقط بدانچه که شورا بعنوان خود مختاری جامی زند ، پرداختیم) سوی پیروزی هم خود را استیضایی است () خود را ملزم به ارائه طرحی می بیند که ناگزیر دچار است و لا غیر.

برای حفاظت از موجودیت پیروها - و فریبختن با چنین درکی از حقوق خلقها است که باید زمین و آسمان را بهم بدوزد و زیر هر شورا تحت فشار مبارزات انقلابی خلق کرد آنچه که بنام خود مختاری سخن است - نیات نیروهای سیاسی انقلابی ناگزیر به ارائه طرح حسنانش را خدشده از سازد باخرجهلاتی بنام خود مختاری برای کردستان گردیده است.

طرح خود مختاری ، بگوید و بی اثر سازد ؟ طرحی که بخودی خود رسواگر ضمون واهداف بگذارد انگیزه و شان نزل طرح را از زبان خود طراحان بنخیم . نظر به مبارزات عادلانه مردم کردستان تا این دمگرسنی در ایران و خود مختاری در کردستان منظور رفع ستم ضلعف از ملت ستمزده کرد () شورا طرح حاضر را برای خود مختاری در کردستان اعلام می دارد . از نقطه نظر شورا در وقت در ایران وجود دارد . یکی فارس و دیگری آن ملتی که با مبارزات قهرآمیز پیروزی راه اصطلاح به "ستم ضلعف" حاکم برخورد منوجه می گرداند ، یعنی تحت فشار قرار می دهد و

انگاه پیروزی بنظر رفع ستم ملی و جنسک ضد خلقی و برقراری صلح تن به بد برش نمی خود مختاری می دهد ، تا به هنگام فراغت ، زمانی که مبارزات عادلانه تضعیف گشت و با درهم شکسته شد ، به بازس گیری هر آنچه که تحت فشار جنبش پذیرفته است ، بهر آرزو این دیگر افتقاد . بمعرفی خلقها نیست ، بلکه عقب نشینی تحت فشار جنبش های تودمای - ملی است.

طرح خود مختاری "شورا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن هر مریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نکاشته شده است. موادی از طرح همان حقوق های است که در برنامه شورای ملی مقاومت مستتر است و ربطی به مساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است. تاریخ کم و بیش دور خود مراجعه شود ، دولت که جابجیا در مواردی از اینگونه ، طراحان بخود متذکر شد مانند که مثلا "مردم منطقه خود مختار کردستان مثل سایر هموطنان خود ... نیروهای انتظامی کردستان مثل دیگر نقاط ایران ... و یا بر کردستان خود - بقوه در صفحه ۶

سیاست خاصی برخوردارند ، بد بنویسید راحت تر به نیات حسنه شورا () می برند و همین مخاطبین اصلی شورا هستند که مقدمای آنچنانی که ظاهراً بی ربط از ساله خود - مختاری عنوان شده است را توجیه پذیر و ضروری گردانند .

اما چرا شورا که افتقادی بمساله خود - مختاری ندارد (توجه شود که ما در اینجا در برسمیت شناختن حقوق خلقها اساساً از حق تعیین سرنوشت که از اصول اعتقادی و برنامه هایمان می باشد ، سخن هم میمان نیاید مایم ، بلکه فقط بدانچه که شورا بعنوان خود مختاری جامی زند ، پرداختیم) سوی پیروزی هم خود را استیضایی است () خود را ملزم به ارائه طرحی می بیند که ناگزیر دچار است و لا غیر.

برای حفاظت از موجودیت پیروها - و فریبختن با چنین درکی از حقوق خلقها است که باید زمین و آسمان را بهم بدوزد و زیر هر شورا تحت فشار مبارزات انقلابی خلق کرد آنچه که بنام خود مختاری سخن است - نیات نیروهای سیاسی انقلابی ناگزیر به ارائه طرح حسنانش را خدشده از سازد باخرجهلاتی بنام خود مختاری برای کردستان گردیده است.

طرح خود مختاری ، بگوید و بی اثر سازد ؟ طرحی که بخودی خود رسواگر ضمون واهداف بگذارد انگیزه و شان نزل طرح را از زبان خود طراحان بنخیم . نظر به مبارزات عادلانه مردم کردستان تا این دمگرسنی در ایران و خود مختاری در کردستان منظور رفع ستم ضلعف از ملت ستمزده کرد () شورا طرح حاضر را برای خود مختاری در کردستان اعلام می دارد . از نقطه نظر شورا در وقت در ایران وجود دارد . یکی فارس و دیگری آن ملتی که با مبارزات قهرآمیز پیروزی راه اصطلاح به "ستم ضلعف" حاکم برخورد منوجه می گرداند ، یعنی تحت فشار قرار می دهد و

انگاه پیروزی بنظر رفع ستم ملی و جنسک ضد خلقی و برقراری صلح تن به بد برش نمی خود مختاری می دهد ، تا به هنگام فراغت ، زمانی که مبارزات عادلانه تضعیف گشت و با درهم شکسته شد ، به بازس گیری هر آنچه که تحت فشار جنبش پذیرفته است ، بهر آرزو این دیگر افتقاد . بمعرفی خلقها نیست ، بلکه عقب نشینی تحت فشار جنبش های تودمای - ملی است.

طرح خود مختاری "شورا" شامل ۲ ماده است که بیشترین آنها برای خالی نبودن هر مریض و تطویل کلام که یعنی حرفی برای گفتن است نکاشته شده است. موادی از طرح همان حقوق های است که در برنامه شورای ملی مقاومت مستتر است و ربطی به مساله خود - مختاری ندارد و این امر چنان واضح است. تاریخ کم و بیش دور خود مراجعه شود ، دولت که جابجیا در مواردی از اینگونه ، طراحان بخود متذکر شد مانند که مثلا "مردم منطقه خود مختار کردستان مثل سایر هموطنان خود ... نیروهای انتظامی کردستان مثل دیگر نقاط ایران ... و یا بر کردستان خود - بقوه در صفحه ۶

سیاسی "جه" و اعلام انشعابها و تفرقه های آنان از پیسو و در مقابل آن از سوی دیگر ، انسجام درونی "هرچه بیشتر شورا در چارچوب برنامه شورا" آغاز می شود. برای کسی که از ماهیت و عملکرد شورا مطلع نیست ، مقدمه طرح بی ربطی نماید و از خود سوال می کند خود مختاری چه ربطی به این مقدمه جینی ها و خرجهلات دارد ؟ اما ، در واقع ، همانا همین با اصطلاح خرجهلات هستند که روح طرح خود مختاری شورا را برای آنان که باید بفهمند و نگران نشوند از قبیل سوسیال دموکراسی اروپا و پیروزی ایران آشکاری کند و راه را بر هرگونه سوتفاهمی در این باره سد می کند - برای پاک و خنزه نشان دادن جبهه سرمایه اهرناخالصر مکنه و یا هرگونه سوء برداشتی که بمخلوس شورا لطمه وارد آورد ، طراحان طرح لازم می بینند که در ابتدا لفظ و خطوط متمایز خوب از نیروهای انقلابی روشن نموده و تضمین های لازم را بتحدید بین بین المللی و داخلیشان ارائه دهند .

پس شورا شکنان و فرصت طلبان " یعنی نیروهای سیاسی مدافع منافع کارگران و زحمتکشان که مستقر از منافع سرمایه مبارزات انقلابی خود ادامه داده و وضعیت سرمایه را نیز برتفاند به یاد نایز گرفته می شوند و خود شورا اطمینان می دهد که نگران این نیروها نباشید (مخاطب معلوم است) در حالی که ما مرتباً "سجع می شویم ، این نیروها در حال تجزیه و انشعابند . و تضمین بعدی : انسجام درونی شورا پیوسته در چارچوب برنامه شورا افزایش می یابد " و اکنون نیز شورای ملی مقاومت قادر شده است بین دموکراسی پایدار و خود مختاری (البته در چارچوب برنامه شورا) پیوند پیدا آورد . اما برنامه پیروها - و فریبختن شورا که جای هیچگونه شک و شبهه و نگرانی باقی نمی گذارد ، معنای دموکراسی پایدار هم که در برنامه دولت وقت شورا به تفصیل تشریح شده و از نقطه نظر سرمایه بین المللی و داخلی مورد حمایت قرار گرفته است حال شورا به ارائه آنچنان طرح خود مختاری مبارز و وزنده که بتواند در پیوند با آن

مبارزت وزنده که بتواند در پیوند با آن دموکراسی پایدار " گذائی و در چارچوب آن برنله پیروها - و فریبختن همان ، قرار داشته باشد . و جز این هم از "شورا" انتظاری نمی توانست وجود داشته باشد .

در حقیقت مقدمه طرح خود مختاری فقط برای آن کسانی بی ربط می نماید که به ماهیت و شیوه عملکرد شورا بی نظیره و از بیلماسر سرمایه که "شورا" بابتی بران به کسب قدرت سیاسی می اندیشد ناآگاه باشند . مقدمه طرح خود مختاری از این لحاظ برای تودمها و خلق قهرمان گرد نامفهوم و نامانوس است که آنان مخاطب "شورا" نیستند . اگر بسیاری تودمها این " الفاظ " خرجهلاتی بیش نیست ، لیکن مخاطبین اصلی طرح معنای انفرادی می کنند . پیروزی سوسیال دموکراسی و هم چنین دولت های عراق و ترکیه که با مسائل مشابه دست به میزبانیند و در این مورد از

حقوق ملل در تعیین سرنوشت خویش حق مسلم آنهاست



شورای ملی

مختار همانند دیگر نقاط ایران ... جنین و چنان می شود . کمسیون خود مختاری شورای ملی مقاومت پس از ۸ ماه مبارکست و کار پیگیر (در کجا؟) مواردی از برنامه بورژوازی شورای را عیناً بمنوان مواردی از طرح خود مختاری بخلق کرد عرضه داشته است . چه کرامت !
 مواردی دیگر از طرح نیز آنچنان پیش پا افتاده و بی اهمیت است که رژیم جمهوری اسلامی ایران خود عهد مدار به آنجا رساندنش شده است . از قبیل طرحهای عدم تمرکز که به استناد اختیارات محلی در امور اقتصادی و ... داده می شود ، تخصیص بودجههای عمرانی برای هراستان ؛ ویاتامین بودجه جهت توسعه مناطق عقب افتاده از درآمد عمومی و نظایر اینها . در این باره تنها می توان گفت از کرامات شیخ ما چهجب . اما بالاخره تکلیف ادعای استقرار حکومت

خود مختاری "شورا" را نسبت به خلق کرد بیشتر نمایان می کند : برآنیم که تامین و تضمین حکومت مردم بر مردم اساساً هیچ شکل عینی جز بسط شوراها می مختلف در همه زمینها ندارد . بهاین منظور بوقت طرز کار شورایی را در دو سطح عینی خواهد نمود . اول - شوراهای تصمیم گیرنده در زمینهای مانند اداره امور شهر که هیچ نیازی به اعمال مرکزیت و سانسورالیزم از خارج شورا ندارند . دوم - شوراهای مشورتی با اختیارات کمتر که یا صرفاً نقش مشورتی داشته و یا فقط حقوت و یا فی المثل حق لغو انتصابات مدیران یا فرماندهان را دارند . " ما قلاً " ماهیت بورژوا - رفرومستی و نهی از مضمون تودمای انقلابی این قبیل شوراها را آشکار کردیم و در اینجا نیازی به تکرار آن نمی یابیم . بلکه غرض نشان دادن قرابت شورای عالی کردستان با شوراهای مندرج در برنامه دولت موقت است که ریاکارانه آنها بمثابه ارگان حاکمیت خلق کرد قطعا کردماند .

در واقع ، طرح شورای عالی کردستان تلفیقی است از دو نوع شورای مندرج در برنامه دولت موقت . تا آنجا که امور جزئی مربوط به شهر و منطقه وجود دارد که هیچ نیازی به اعمال مرکزیت از خارج شورا ندارد " شورای عالی کردستان همانند شوراهای نوع اول در سایر نقاط ایران تصمیم گیرنده است (انجمن های شهر) اما زمانی که مسائل اساسی مطرح می شود تصحیل شورای عالی کردستان باید در چارچوب قوانین جمهوری بوده و توافق قوانین عمومی جمهوری نباشد " بخشی نقش آن عملاً مشورتی خواهد بود و در جرگه شوراهای نوع دوم قرار می گیرد . چه حاکمیت جلال و جبروتی !

و بعد چند ماده در حوصل و حوش این ماده از " حاکمیت خلق کرد " و بعضاً برای محکم کاری های آتی ، از جمله : " حفظ انتظامات داخلی منطقه خود مختار بمعبده ارگانهای خود مختاری است نیروی متناسب با آنها با مراعات اما ماده ۲ طرح حاضر سازمان می دهد " و ماده ۲ همانی است که ذکر شد یعنی نیروهای انتظامی بر اساس " قوانین جمهوری و مصوبات شورای عالی کردستان که توافق قوانین عمومی جمهوری نباشد ، تشکیل می یابند . بورژوازی سرکوب تودمها را در منطقه بنابینافهم عام از برنامه دولت موقت انقلابی یگانگی این دورا خود که در " قوانین جمهوری " منعکس می شود ، بیشتر آشکاری سازد و خائنانه بودن طرح بدست ارگانهای سرکوب کر محلی تا آنجا که

از قوانین عام تخطی نکنند می سیارد . زحمت خود را کم می کند تا سود خود را بیفزاید . ایضا : " امور مربوط به سیاست خارجی و حراست از مرزها و حفظ امنیت جمهوری و تامت ارضی و دفاع ملی بمعبده دولت مرکزی است . " الفاظ گند آری همچون حفظ امنیت جمهوری و تامت ارضی که دست جلا دان خلق کرد را در همه شرایط بازی می گذارد . بهبوده نیست که بنی صدر نیز پای چنین طرحی امضاء خود را می گذارد . " حفظ امنیت جمهوری و تامت ارضی " کارت سبز بورژوازی در سرکوب خلق کرد است ، ششتر دولتیسی است که شورای عالی کردستان را بماطاعت فرامی خوانند . هواره در تاریخ تحلوای همین حفظ امنیت و تامت ارضی بوده است که خلق ها در خون خود غرق شده اند . مگر رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای " حفظ امنیت جمهوری و تامت ارضی " خلق ترکمن و کرد و ... را به خائو خون نکشیده است ؟ چنین الفاظ گند آرو قابل تفسیری ، اما ، ناآگاهانه در طرح " شورا گجانبنده " تنده است و برای باز هم محکم کاری بیشتر اضافه کردماند که " ارگان های خود مختاری موظفند از بداخله در امور وظایف دولت مرکزی خود آری کرده و دولت مرکزی را در اجرای وظایف خویش از جمله حفظ امنیت جمهوری و تامت ارضی) یاری کنند " . چنین است ماهیت طرح خود مختاری شورای ملی مطومت :

" خود مختاری بی خود مختاری "



نگرشی بر توزیع

در این اطلاعیه که از سوی اتحادیه سوری مارکها بوده تنها حرکت کمیته امور صنفی بپلی بر اعلام انحلال سوبمارکها را غیر قانونی اعلام کرد و خارج از چهارچوب وظائف کمیته امور صنفی دانست بلکه این کمیته را تهدید بمسیرد قانونی نمود و سوبمارکهای بسته شده نیز مسوده شد و کشش بین کمیته امور صنفی و اتحادیه سوبمارکها همچنان ادامه دارد و این تضاد نیز از به شمار تناقضاتی است که بمره فرتوت و رویغوزال جمهوری اسلامی را هرچه بیشتر می فرساید .

مبتنی بر اراده و حاکمیت مردم در ایران و مشارکت همه مردم در اخذ و اجرای تصمیمات و پیوند بین دموکراسی پایدار و خود مختاری چه می شود ؟ شورا قلاً " تکلیف حاکمیت مردم و دخالت و مشارکت آنانرا در اخذ تصمیم و غیره در برنامه دولت موقت روشن کرده بود . در برنامه ، حاکمیت مردمی که باید از طریق ارگانهای اقتدارشان (شوراهای) در اخذ و اجرای تصمیمات دخالت و مشارکت مستقیم داشته باشند بمعامل فرعی و کمکننده در " استقرار حاکمیت بورژوازی درون شورای ملی مقاومت تبدیل شده و شوراها بمسیرجمارگانهای مشورتی تنزل یافتماند . یعنی که شورایی شورا و حال طرح خود مختاری باید در این زمینه آنچنان تنظیم می شد که در " چارچوب " برنامه شورای ملی مقاومت " حاکمیت ، تا قافیه " شورا بی شورا " با خود مختاری بی خود مختاری جور شود .

در صقیقت هرآنچه که در این مورد نگاشته شده یا مضمون برنامه شورا که سلب حاکمیت تودمها است منطبق است . به طرح رجوع کنیم : " ارگان قانون گذاری در منطقه خود مختار ، شورای عالی کردستان است که نمایندگان آن از طریق انتخابات آزاد مبتنی بر رای آزاد و مخفی ... انتخاب می شوند . " " این جمهوری در منطقه خود مختار لازم - الاجرا است . مصیبات شورای عالی کردستان نباید ناقص قوانین عمومی جمهوری باشد . " باصطلاح شورای عالی کردستان که با توجه به نحوه تشکیل و وظایفش در طرح چیزی شبیه به پارلمان می ماند و نه شورا (همانند مجلس شورای اسلامی که پارلمان است و نه شورا) ، ارگان حاکمیت خلق کرد در نظر گرفته شده است . اما این ارگان باصطلاح حاکمیت که اسم بی معنائی را با خود بدک می کند ، چیزی نیست جز همان شوراهای مردمی " مستتر در برنامه دولت موقت که در اینجا فریبکارانه شاططمانی کردماند . نقل هرچند کمی طولانی این بخش از برنامه دولت موقت انقلابی یگانگی این دورا خود که در " قوانین جمهوری " منعکس می شود ، بیشتر آشکاری سازد و خائنانه بودن طرح بدست ارگانهای سرکوب کر محلی تا آنجا که

خلق قهرمان ترکمن

اخیراً برخی از مسئولان در دست اندر کاران رژیم جمهوری اسلامی تحت فشار جنبش مردمی، باین نتیجه رسیده اند که برای بزرگ، هرچند که این سیاست، متناسب با شرایط استعمار تودماغا و غارت هرچه بیشتر پتانسیل انقلابی تودماغا و میزان مقاومت و مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلا تکلیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از مناطقی که رژیم بهکندی و تدریجاً موقوف شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی استیلازاتی و با اصطلاح معروف سراسر است به از بین بردن تشکیلات تودماغا شد ترکمن شوراهای خود را نیز نمی تواند عمل کند. همان قدری نیز توسل جست.

نگاهی به نامه اخیر مسئولین مازندران از استانداری گرفته تا مازندران و رکنس دادگستری و... خطاب به شورای عالی قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۲ در کیهان چاپ رسیده است صحت این ادعا را نشان می دهد.

در این نامه آمده است: «... باتوقف علی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طعمس در منطقه مازندران بخصوص در کبک کمترین زمین پلا تکلیف را دارا می باشد بوجود آمده... زمینهای صادره شده در کبک حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است، هم اکنون پلا تکلیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگوش بخصوصیت ویژه منطقه و توقف بهار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای محارب و گروهک مزدور با اصطلاح خلق ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

(کیهان ۱۳۲۱/۹/۲۲ تاکید ازماست) و اما سرانجام در انتهای نامه این حملات چشم میخورد: «راضی مزدوری مناطق مرکزی و غرب مازندران بصورت تبدیل به باغات شده و اراضی شرق مازندران بکمیت محصولات غیر اساسی و سود آور تبدیل گردیده که در نتیجه میزان کت محصولات مهم از قبیل پنبه، کدوم، جو و برنج به میزان قابل توجهی کاهش و تقلیل حاصل کرده است. همانجا قسمت انتهائی نامه بخشی از هدف نامه را بیان می کند. بانصورت که مزدوران رژیم علناً اعلام میدارند که محصول منطقه بندت کاهش یافته و غارتگرهای شتی استعمارگر متوقف شده است چرا؟ چون شورای فرمایشی کت که بهر حال عامل فریب بود نیز قایل تحمل رژیم نیست و متوقف گشته است. اگر جناب خلخالی جلاد پس از آن همه سرکوبهای وحشیانه و جنسایتهای فاشیستی به ساله صادره زمینهای کت توسط دهقانان ترکمن صحرا صورت گرفته بود در آن مقطع تن داده بود امری موقتی بود و اکنون روند طبیعی آن حرکت است که بوقوع می پیوندد. یعنی مقدمهای برای باز پس دادن زمینهای زمین داران بزرگ و بازگشت کامل به شرایط قبل از انقلاب.

این امر نیز سیاست تازمای نیوده و ادامه همان سیاستی است که از همان فردای قیام از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال شده است و همه این اعمال نیز بنابر موضع طبقاتی رژیم

صوت گرفته است، یعنی سرکوب تودماغا و حمایت همجانبانه از سرمایه داران زمین داران به دهقانان تحمیل کرد. اکنون حتی زمین تودماغا، باین نتیجه رسیده اند که برای بزرگ، هرچند که این سیاست، متناسب با شرایط استعمار تودماغا و غارت هرچه بیشتر پتانسیل انقلابی تودماغا و میزان مقاومت و مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلا تکلیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از مناطقی که رژیم بهکندی و تدریجاً موقوف شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی استیلازاتی و با اصطلاح معروف سراسر است به از بین بردن تشکیلات تودماغا شد ترکمن شوراهای خود را نیز نمی تواند عمل کند. همان قدری نیز توسل جست.

نگاهی به نامه اخیر مسئولین مازندران از استانداری گرفته تا مازندران و رکنس دادگستری و... خطاب به شورای عالی قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۲ در کیهان چاپ رسیده است صحت این ادعا را نشان می دهد.

در این نامه آمده است: «... باتوقف علی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طعمس در منطقه مازندران بخصوص در کبک کمترین زمین پلا تکلیف را دارا می باشد بوجود آمده... زمینهای صادره شده در کبک حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است، هم اکنون پلا تکلیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگوش بخصوصیت ویژه منطقه و توقف بهار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای محارب و گروهک مزدور با اصطلاح خلق ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

(کیهان ۱۳۲۱/۹/۲۲ تاکید ازماست) و اما سرانجام در انتهای نامه این حملات چشم میخورد: «راضی مزدوری مناطق مرکزی و غرب مازندران بصورت تبدیل به باغات شده و اراضی شرق مازندران بکمیت محصولات غیر اساسی و سود آور تبدیل گردیده که در نتیجه میزان کت محصولات مهم از قبیل پنبه، کدوم، جو و برنج به میزان قابل توجهی کاهش و تقلیل حاصل کرده است. همانجا قسمت انتهائی نامه بخشی از هدف نامه را بیان می کند. بانصورت که مزدوران رژیم علناً اعلام میدارند که محصول منطقه بندت کاهش یافته و غارتگرهای شتی استعمارگر متوقف شده است چرا؟ چون شورای فرمایشی کت که بهر حال عامل فریب بود نیز قایل تحمل رژیم نیست و متوقف گشته است. اگر جناب خلخالی جلاد پس از آن همه سرکوبهای وحشیانه و جنسایتهای فاشیستی به ساله صادره زمینهای کت توسط دهقانان ترکمن صحرا صورت گرفته بود در آن مقطع تن داده بود امری موقتی بود و اکنون روند طبیعی آن حرکت است که بوقوع می پیوندد. یعنی مقدمهای برای باز پس دادن زمینهای زمین داران بزرگ و بازگشت کامل به شرایط قبل از انقلاب.

این امر نیز سیاست تازمای نیوده و ادامه همان سیاستی است که از همان فردای قیام از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال شده است و همه این اعمال نیز بنابر موضع طبقاتی رژیم

صوت گرفته است، یعنی سرکوب تودماغا و حمایت همجانبانه از سرمایه داران زمین داران به دهقانان تحمیل کرد. اکنون حتی زمین تودماغا، باین نتیجه رسیده اند که برای بزرگ، هرچند که این سیاست، متناسب با شرایط استعمار تودماغا و غارت هرچه بیشتر پتانسیل انقلابی تودماغا و میزان مقاومت و مبارزه آنان اشکال متفاوتی بخود گرفته است. منطقه شد. چرا که زمینها پلا تکلیف اعلام کفایت نمی کند و باید در کنار آن به اعطای یکی از مناطقی که رژیم بهکندی و تدریجاً موقوف شده و کار رژیم بد آنجا رسیده که شوراهای چرتی استیلازاتی و با اصطلاح معروف سراسر است به از بین بردن تشکیلات تودماغا شد ترکمن شوراهای خود را نیز نمی تواند عمل کند. همان قدری نیز توسل جست.

نگاهی به نامه اخیر مسئولین مازندران از استانداری گرفته تا مازندران و رکنس دادگستری و... خطاب به شورای عالی قضائی و دیگر سرمداران رژیم که در تاریخ ۱۳۲۱/۹/۲۲ در کیهان چاپ رسیده است صحت این ادعا را نشان می دهد.

در این نامه آمده است: «... باتوقف علی شورای کت، مشکلات و معضلاتی طعمس در منطقه مازندران بخصوص در کبک کمترین زمین پلا تکلیف را دارا می باشد بوجود آمده... زمینهای صادره شده در کبک حسب حکم حجت الاسلام خلخالی مربوط به فئودال های منطقه که در اختیار شورای کت بوده است، هم اکنون پلا تکلیف است. و در ادامه نامه نوشته شده: «بانگوش بخصوصیت ویژه منطقه و توقف بهار سیاسی پدیده بخصوص در منطقه ترکمن صحرا که حضور گروههای محارب و گروهک مزدور با اصطلاح خلق ترکمن را تدارک دیده حوادثی خونبار را موجب خواهد شد.»

(کیهان ۱۳۲۱/۹/۲۲ تاکید ازماست) و اما سرانجام در انتهای نامه این حملات چشم میخورد: «راضی مزدوری مناطق مرکزی و غرب مازندران بصورت تبدیل به باغات شده و اراضی شرق مازندران بکمیت محصولات غیر اساسی و سود آور تبدیل گردیده که در نتیجه میزان کت محصولات مهم از قبیل پنبه، کدوم، جو و برنج به میزان قابل توجهی کاهش و تقلیل حاصل کرده است. همانجا قسمت انتهائی نامه بخشی از هدف نامه را بیان می کند. بانصورت که مزدوران رژیم علناً اعلام میدارند که محصول منطقه بندت کاهش یافته و غارتگرهای شتی استعمارگر متوقف شده است چرا؟ چون شورای فرمایشی کت که بهر حال عامل فریب بود نیز قایل تحمل رژیم نیست و متوقف گشته است. اگر جناب خلخالی جلاد پس از آن همه سرکوبهای وحشیانه و جنسایتهای فاشیستی به ساله صادره زمینهای کت توسط دهقانان ترکمن صحرا صورت گرفته بود در آن مقطع تن داده بود امری موقتی بود و اکنون روند طبیعی آن حرکت است که بوقوع می پیوندد. یعنی مقدمهای برای باز پس دادن زمینهای زمین داران بزرگ و بازگشت کامل به شرایط قبل از انقلاب.

این امر نیز سیاست تازمای نیوده و ادامه همان سیاستی است که از همان فردای قیام از سوی رژیم جمهوری اسلامی اعمال شده است و همه این اعمال نیز بنابر موضع طبقاتی رژیم

نگرشی بر...

نمایندگان صنف‌های گوناگون می‌باشند و در کنار هر یک از اتحادیه‌های صنفی یک شرکت باصطلاح تعاونی توزیع قرار دارد که این شرکت کالاها را مورد نیاز صنف را با آن دولت خریداری کرده و با توسط تجار وارد کننده کالا تهیه می‌کند و تحت کنترل اتحادیه صنف مربوطه به توزیع آن به مصرف‌داران اقدام می‌نماید. در مجموع می‌توان این شکل از توزیع را شکل صنفی آن در نظر گرفت.

بخش دیگری از توزیع ما به‌تحت عنوان توزیع توسط سوپر مارکتها صورت می‌گیرد و سوپر مارکتها نیز خود اتحادیه‌ها یا صنف خود را داشته و شرکت تعاونی خاص خود را دارند. این شکل از توزیع نیز که در صدد ناچیزی را تشکیل می‌دهد در کنار شکل صنفی آن به‌صورت خود ادامه می‌دهد. در رژیم گذشته شکل توزیع توسط سوپر مارکتها و همچنین فروشگاههای زنجیره‌ای صورت که نقش پرتری در توزیع را برعهده بگیرد، انگیزه مبارزاتی سرمایه‌عقب‌مانده تجاری با رژیم شاه نیز از همین زاویه بود که با گسترش اشکال جدید توزیع روند رو به‌توسعه‌ی این اتحادیه‌های اصناف مختلف در کشته امور صنفی متشکل شد مانند سیاست حاکم بر این کشته منطبق با منافع بورژوازی تجاری می‌باشد. کشته امور صنفی یک نماینده در ارگانی بنام هیات عالی نظارت دارد که هم اکنون فردی بنام فولادی می‌باشد که از مدافعین سرسخت تجار بازار است.

هیات عالی نظارت متشکل از وزیران بازرگانی و تعدادی از وزرا یا معاونین آنها می‌باشند. وظیفه کشته امور صنفی صدور جواز کسب و دریافت مجوز آب و برق و نظارت بر فعالیت های اصناف در چهارچوب مقررات و قوانین حاکم بر اتحادیه‌ها می‌باشد و حال آنکه شرکت تعاونی هر صنف وظیفه خرید و توزیع کالا و قیمت گذاری و... را برعهده دارد. علاوه بر دادگاههای ویژه امور صنفی به تخلفات اصناف گوناگون رسیدگی می‌کند و

البته این تخلفات و مجازاتهای ناشی از آن عمدتاً خرد و فروشان را در بر می‌گیرد. رئیس و حاکم شرع در دادگاه ویژه امور صنفی تهران فردی بنام عزیزان می‌باشد. عزیزان از نزدیکان حوسوی نخست وزیر است. از اینرو گهگاه جهت تصمیمات جناح رقیب و یا از صحنه بدر کردن آنها دست به صدور احکامی البته بسیار رقیب و افتخارگرایانی می‌زند از جمله در جریان عزل عسکروالادی، عزیزان طوسی صاحب‌عاشق چند مورد از دزدیهای کلان معاونین عسکروالادی را بر زبان آورد که البته اگر عسکروالادی بر راحتی حاضر به ترک پست خود بود لغزش اقدام نیز صورت نمی‌گرفت.

اما در کنار روشک خصوصی توزیع یعنی صنفی و سوپر مارکتها (سوپر مارکتها نیز نماینده‌های از اتحادیه‌ها خود در کشته امور صنفی دارند) توزیع مستقیم دولتی قرار دارد. ارگان توزیع کننده دولتی شرکت های تعاونی مصرف شهر و روستا هستند که عمدتاً کالاها را صرفی و ما به‌تحت عنوان صنفی را ارائه می‌دهند. این ارگانها از رژیم گذشته تشکیل یافته و به رژیم کنونی به‌تحت رسیدمانده. همچنین فروشگاههای زنجیره‌ای سه و قدس (گوش سابق) نیز که دولتی هستند بخش ناچیزی از توزیع را در دست دارند. از یکسال پیش اختلافاتی فی مابین کشته امور صنفی و تعدادی از اتحادیه‌ها از جمله اتحادیه مکتف فروشها، اتحادیه گل فروشها، اتحادیه طلا فروشها، اتحادیه نایب‌فروشها، ماشین و بالاخره اتحادیه سوپر مارکتها بوجود آمده است که این اختلافات در رابطه با اتحادیه سوپر مارکتها شکل بسیار جدی‌تری خود گرفته است. کشته امور صنفی معتقد است که این چند اتحادیه ضرورت وجودی ندارند و باید منحل شوند و بطور مشخص در رابطه با سوپر مارکتها مطرح کرده است که سوپر مارکتها شکل طاعتی توزیع هستند و باید منجمد شوند و به‌صورت راهبرگینند و اگر چند شرکت هستند هر یک از شرکا پروانه یک صنف را گرفته و بکار ادامه دهند و ساختمان سوپر را نیز قطعه

قطعه کنند و به چند مغازه تبدیل نمایند. اما اگر به صنفی ساله پرریم کشته امور صنفی از این وحشت دارد که بتدریج سوپر مارکتها مغازه‌های کوچک را بیلعتد و به ناپودی کنند. ناگفته نماند که در پایان قرون وسطی و آغاز شکوفایی بورژوازی در اروپا نیز چنین مسائلی بروز کرده بود. و اما به دنبال بروز اختلافی فوج کشته امور صنفی بتاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۲ اطلاعیه‌های منتشر کرد که در برخی روزنامهها از جمله جمهوری اسلامی و اطلاعات و کیهان چاپ رسید و در این اطلاعیه انحلال سوپر مارکتها را اعلام کرد. به دنبال آن رساله ارسال این اطلاعیه به سوپر مارکتها از اتیان خواست تا برای تعیین صنف خود به کشته امور صنفی مراجعه کنند. همزمان با صدور این اطلاعیه، دستورالعملی به‌سازمان تعاونی وابسته به وزارت بازرگانی صادر که ضمن اعلام انحلال سوپر مارکتها از اتیان خواست تا از تحویل کالا به اتحادیه سوپر مارکتها خودداری نمایند و همچنین با چنین ابلاغیه‌های نیز از وزارت کشاورزی بخش مربوط به طرح تحویل سهمیه گوشت به سوپر مارکتها خودداری نمایند. همچنین کشته امور صنفی با مراجعه به اداره اماکن عمومی وزارت کشور و مأموران اجرائی آن کلا تشریها خواستار تعطیل سوپر مارکتها شد و چند سوپر مارکت نیز در این رابطه موقتاً بسته شد. به دنبال این اقدامات، اتحادیه سوپر مارکتها اقدام به انتشار اطلاعیه مشابه بتاریخ ۱۳۸۰/۸/۲۲ نمود و طبق قانون مطبوعات خواستار چاپ آن در نشریات شد که اطلاعیه کشته امور صنفی را به چاپ رساند و به‌تحت عنوان روزنامه جمهوری اسلامی از چاپ آن سر باز زد. روزنامه‌های اطلاعات و کیهان بطور فوری تهدیدات پاسداری که از جانب کشته امور صنفی به دفتر روزنامه اعزام شده بودند. اطلاعیه سوپر مارکتها را به چاپ رساندند.

تعدیل بحران...

به تولید کنندگان داخلی حذف تدریجی سوسپد کالاها مورد تصویب قرار گرفت - (اطلاعات ۱۰ آذر) - یعنی برای جلوگیری از توزیع باید قیمت کالاها شامل سوسپد را افزایش داد تا پولهای سرگردان جمع آوری شود. این دیگر فقط از کرامات جمهوری اسلامی برمیآید که اشتباهی سری ناپذیرش را با یافتن هر سوراخ و روزنه‌های ناخند ممکن ارضاء کند. سوسپد مبلغ ناچیزی است که دولت بعنوان مابه‌التفاوت قیمت خرید و فروش کالاها می‌مانند نان، قند و شکر، شیره، کود شیمیایی و بنزین مصرفی وانت بار و تاکسی برداخت می‌کند. این رقم در یک بودجه سال ۶۳ دولت کمی بیش از یک درصد می‌شود. چه کسانی باید از طریق حذف سوسپد پولهای سرگردان انسان جذب شود؟ به‌کالا -

هاشمی که شامل سوسپدی شوند نگاه کنید. خود گویا است.

و بحران سراسر جامعه را در خود فرو برد و است. سیاستها و عطرکدهای رژیم جمهوری اسلامی بعزت ماهیت و ترکیب حکومتی نمی‌تواند جز در راستای دامن زدن به بحران قرار داشته باشد. سیاست های مقابل بحران رکود - تهرانی حاکم بر جامعه بغض خود تبدیل شده و ابعاد بیگاری، رکود، تورم و هرج و مرج را گسترش می‌دهد. تودها و بویژه کارگران آگاه که برای دفع حومات شیوه تولید سرمایه‌داری بسا خواستند، سلطنت ضعیف پهلوی را واگسود ساخته و در جهت برپائی نظامی نوبن از طریق ضرها (اگرچه در نطفه‌های تریب شکل و وضون خود) دست به کار شدند بعزت آگاهی تاکافی، عدم تشکیلات، و... و شیادی خمینی اسیر جمهوری اسلامی گشته‌اند که استثمار، ستم و فشار را بر اتیان مضاعف گردانیده است.

رژیم نمی‌تواند خود را تثبیت کند، رفتی است، تودها ضرورت فرصتی برای حرکت گسترده ما به بورژوازی لیبرال و هم پیمانان و حتی سلطنت طلبان دام گسترده ماند رژیم چنان بی‌حیثیت، آبرویخته و بحران زاست که ضد انقلاب مغلوب با تکیه بر آن کسب وجهه می‌کند و استثمار و دستگام حکومتی خود راهبه استثمار شوندگان نه می‌دهد. چغضاحت تاریخی که این جمهوری به‌تحت زورده است. اما برای کارگران و زحمتگان، به‌تحت نظر ریشمکی گبه زمینهای که بحران‌های اقتصادی را سبب می‌شود، به‌تحت رفع قاطع زمینهای فقر و طاقت و سوسپوزی، رکود و تورم، سرکوب و تالانگری و به‌تحت حرکت در راستای برپائی جامعه‌ای آزاد و فارغ از استثمار انسان از انسان فقط یک راه وجود دارد: برقراری جمهوری دموکراتیک خلق و حرکت در راستای ساختمان سوسیالیسم.

لرده و بعضاً "بجای آن شعار "مرکز آمریکا می نویسند . آیا برای وقامت اینان حدی هم تصور است؟

امروز دیگر برخلاف نخستین ماههای پراز قیام بهمن که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سعی داشت خود را "مدرسه مهداری" و "صد غریب" جا بزند ، دیگر حتی لژیونی نی بیند که حتی در حرف هم "نه غریب" باشد . مضمون "نه غریب" تنها به "آمریکایی" محدود شده آنهم فقط در شما ها و بس .

اکنون دیگر روابط اقتصادی - سیاسی - نظامی با امریالیستها و ایادی آنها تا آنجا پیش رفتنوعادیشند که شرکتیهای امریالیستی براخی و فراغ خاطر در روزنامههای ضد خلقی و فریب نامهای دولتی (کیهان و اطلاعات و ...) کالا های غیر نظامی و حتی نظامی خود را تبلیغ می کنند و در این میان البته امریالیست ها نیز با توجه به دلایل صحنی رژیم و بورژوازی تجاری حاکم و هم به دلیل عدم تثبیت رژیم و کلاً تسلط سرمایه عقب مانده ، و انقدرها هم خام نیستند که سرمایه های خود را در امر تولید در اینجا بکار بگیرند و عمدتاً سهم "شهر افلا" از سد و کالا به چنگ می آورند . این معنی واقعی تحریم اقتصادی حکومت ایران توسط امریالیست ها و معنی حقیقی شعارهای ضد امریالیستی این رژیم مرتجع فریب کار است . مردم ما بد رستی معنی شعار های ظاهری رژیم را درک کرده اند . الحق بجا و درست این گفته "منظری" را به صخره گرفته اند که "مرکز شعار هایتان مرکز آمریکا یادتان نبود" اگر در عمل مرکز آمریکا فراموش شد اشکالی ندارد .

حال چگونه می توان رابطه بین گرانی واقعی و تحریم اقتصادی که آتی را توجیه کرد ، فقط دلایل صحنی حاکم بر سیستم می تواند جوابگو باشد .

حصار اقتصادی

غیره را مطرح می کردیم ، مدافعین بی چیره و موایب رژیم ، تورمای - اکثریتی های خائن می گفتند : اینها قرارداد های زمان شاه است . این آنها و لوازم بدکی از زمان شاه مانده است و درها توجیه و خوش رقصی های دیگر . اما حال که خوشترضی های این فرصت طلبان در دل سنگ ارتجاع حاکم اثر نینخشیده و خیاط هم در کوزه افتاد کویا برای اینان نیز روشن شده که روابط با امریالیستها وجود داشته و هر دم گسترده تر نیز می شود . البته این اعتراف ایضا صورت طلبانه هم تحت بهرق "استحاله حاکمیت" انجام می شود .

بالاخره پس از سه سال تحریم اقتصادی حتماً "مجات و اسلحه های خریداری شده در زمان شاه خائن می بایست تمام شده و لوازم بدکی هواپیماهای آمریکایی می بایست نه کشیده باشد و این وسایل هم حتماً می بایست با اجازه آمریکا و ایادی آن به ایران فروخته ارتش و جبهه های جنگ نیز شعارهای دروغین رژیم معنی واقعی خود را بر ملا کرده است . در گمرکات و بنادر کشور نیز کارگزاران و روابط زحمتکشان میهن ما همیشه مشاهده کرده و بنیان اقتصادی - سیاسی - نظامی حکومت ایران با امریالیست ها و ایادی وابسته به ظهور در دست آرما و علائم امریکایی و آنها نظیر ترکیه و پاکستان و یونان و برزیل و فرانسوی را از روی کالا های وارداتی بک

یا "حصار اقتصادی" می افتد . حالا پراز گذشت چند سال از سازش با آمریکا بر سر گروگانهای جاسوس این تحریم اقتصادی توسط که در دولتها انجام می خورد . ظاهراً داند روابط گسترده با ژاپن و آلمان غربی و انگلستان کره جنوبی و ترکیه و پاکستان و درها کشور ویز و درشت دیگر امریالیستی و دست نشانده امریالیسم و حتی روابط اقتصادی با برخی کشورهای سوسیالیستی در کدام فرهنگ استن تحریم اقتصادی است؟ این نوع شارلاتانیزم که البته دیگر رنگ بلخته است فقط از شیادان جمهوری اسلامی و مرتجعینی نظیر آن بهره ایستد و بس .

هیاتهای اقتصادی و سیاسی امریالیستی مدام در رفت و آمدند و با این وجود جمهوری اسلامی ایران به دلیل به اصطلاح "انظاری بودن محاصره و تحریم اقتصادی شده است . و از این باب باید زحمتکشان تحت لواء معنویات اسلام آخرین بنجل های تولیدی و وارداتی را با قیمتی چند برابر آنها با منت و صف و کسور و ... تحمل کنند و دم نیاورند تا رما و کوچک ابد البایشان فرافت "مبارزه با امریالیسم" را از طریق سرکشی کردن امت اسلامی داشته باشند .

برنج و گندم آمریکایی و تایلندی و پاکستانی و اوروگونی و گوشت استرالیایی و فرانسوی و نوزلاندی و ترکیهای و ... را اکثر مردم دیگر بعضی از هم تشخیص می دهند و از اینرو می است که شعارهای توخالی و پنهانه "تحریم اقتصادی رژیم را بمسخره می گویند . مدتها پیش از این در همان نخستین ماههای جنگ ارتجاعی ایران و عراق وقتی ما ساله روابط زحمتکشان میهن ما همیشه مشاهده کرده و بنیان اقتصادی - سیاسی - نظامی حکومت ایران با امریالیست ها و ایادی وابسته به ظهور در دست آرما و علائم امریکایی و آنها نظیر ترکیه و پاکستان و یونان و برزیل و فرانسوی را از روی کالا های وارداتی بک

مصولات شیمیایی
VERDUGT
 قابل توجه وارد کنندگان کالا
 (دولتی - خصوصی)
 اطلاعات - تهیه و حمل
 کارخانجات و انگلیس منحصر برای
 کارخانجات و انگلیس منحصر برای
 کارخانجات و انگلیس منحصر برای

قابل توجه تهره لیدر کسندگان
دفتر خدماتی و تجارتي در آلمان غربی
 انجام کلیه سفارشات و خدمات تجارتي - واردات ،
 تهیه انواع ماشینهای صنعتی از کلیه
 سوره های اروپائی با بهترین و
 سببترین پیشنهادات میباشد .

کارخانجات ، ارگانها ، وارد کنندگان ابزار
نماینده کارخانه پرستو (PRESTO) انگلستان
 کارخانه انواع ماشه برنق ، جدیده فلاویز ، سنجیده برش
 و ماشه و دستگاه جدیده کن دستی از تاریخ ۱۹۲۰ الی
 ۹۶ آماده قبول سفارشات میباشد جهت همین وقت
 ۸۲۸۸۱ تماس حاصل فرمائید

تجارت با ژاپن
 تنظیم کارخانجات
 دولت و بخش خصوصی
 دستمال کاغذی
 جهت سفارش و خرید ماشین آلات
 و لوازم یدکی از کشور کانا
HEAVY TRUCKS, EQUIPMENT, MACK
PETITBONE, EMC LINKBEI
INDUSTRIAL, GMC, FORD
RED TOOLS AND TR
ANT TR

مبارزه ضد امریالیستی از مبارزه برای دمکراسی جدا نیست



یادداشت‌های سیاسی

فساد در رژیم جمهوری اسلامی

رژیم جمهوری اسلامی هنوز بر روی پا نایستاده، پیر و فرتوت گشته است فساد تمام پیکر آنرا فرا گرفته است. با عمیق تر شدن شکاف‌های درونی رژیم، درهای بسته گشوده تر میگردد و مردم بیش از پیش به حقایق پی میبرند. حقایقی که خود در عمل و در تجربه روزمره خود به آنها دست یافته بودند، حالا از زبان همان

عاطمین اصلی فجاج و دزدبها و فسدین میشوند. دزدان بر سر تقسیم اموال دزدی با یکدیگر به نزاع افتاده‌اند. اکنون، اشکارتو گشته است که شاه دزد ها غیر از مسئولین اصلی رژیم جمهوری اسلامی و بنیانگذاران آن اصلی ترین آنها یعنی خمینی کسی نیست. تا چندی پیش همه از خود بقیه در صفحه ۹

بیست و پنجمین سالگرد
انقلاب کوبا گرامی باد

★ ★ ★



سال نو میلادی

برهم میهنان مبارز مسیحی

مبارک باد

سال نو مسیحی در شرایطی آغاز میشود که رژیم جمهوری اسلامی بیشترین فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی را بر کلیه اقلیت‌های مذهبی اعمال می‌کند. هم میهنان مسیحی ما در تجربه عظمی دریافتانند که تنها با یک مبارزه همه جانبه دشمنان و زحمتکشان ایران قادر خواهند بود به حقوق واقعی خود در کلیه زمینها دست یابند. باشد که سال نو مسیحی آغازگر تلاش پیگیر و همهجانبه شما در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق باشد.

★ ★ ★ ★

“حصار اقتصادی”

فرباد رژیم علیه زحمتکشان

اکنون دیگر نه‌تنها بدی است که نمودها را ۳ روابط همهجانبه و رویگسترش رژیم با شمارهای توخالی ضد امپریالیستی و ضد امپریالیست‌های دست اول و دست دوم و آمریکایی رژیم را به سفره گرفتاراند. کارگران و استادکاران را باور کنند یا شمارهای عوام و زحمتکشان همین ما در جریان زندگی فرباد رژیم را؟ سوده‌اران رژیم بهر شخصای که دچار روزمره خود در خیابان و کارخانه و بندر و گمرک و ادارات و... به چشم خویش دروغین می‌شوند نیز فاصله تحریم اقتصادی را بهانه بودن شمارهای ضد امپریالیستی رژیم جمهوری می‌کنند، خود هرگز آبی و گرانی هرچیزی اسلامی را دیدمانند. راستی که مردم باید به تضریرش بگردن به اصطلاح تحریم اقتصادی در خبری را باور کنند یا تسخیر حضرت عباس بقیه در صفحه ۱۱

نگرشی بر فعالیتهای تشکیلات خارج از کشور سازمان

نشریه جهان ارگان هواداران - زیر دوج شده است :
نشریه جهان شماره ۱۱ :
۱- پیام همبستگی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به جنبه آزادیبخش جمهوری دموکراتیک خلق باشد.
بقیه در صفحه ۹

نشریه جهان ارگان هواداران - سازمان در خارج از کشور بطور منظم و با تلاش بی وقفه رفقای هوانا منتشر میگردد.
در آخرین شماره ۱۰ ای نشریه مطالب

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق